

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



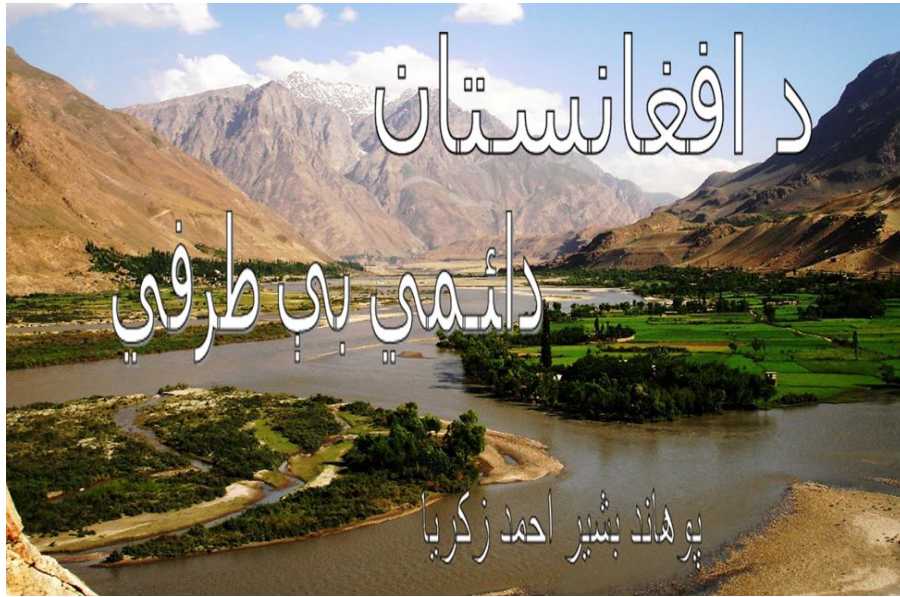
۲۰۱۹/۰۳/۰۶

پوهاند بشیر احمد زکریا
ترجمه: رحمت آریا

بی طرفی دائمی افغانستان

رساله تحقیقی

قسمت چهاردهم

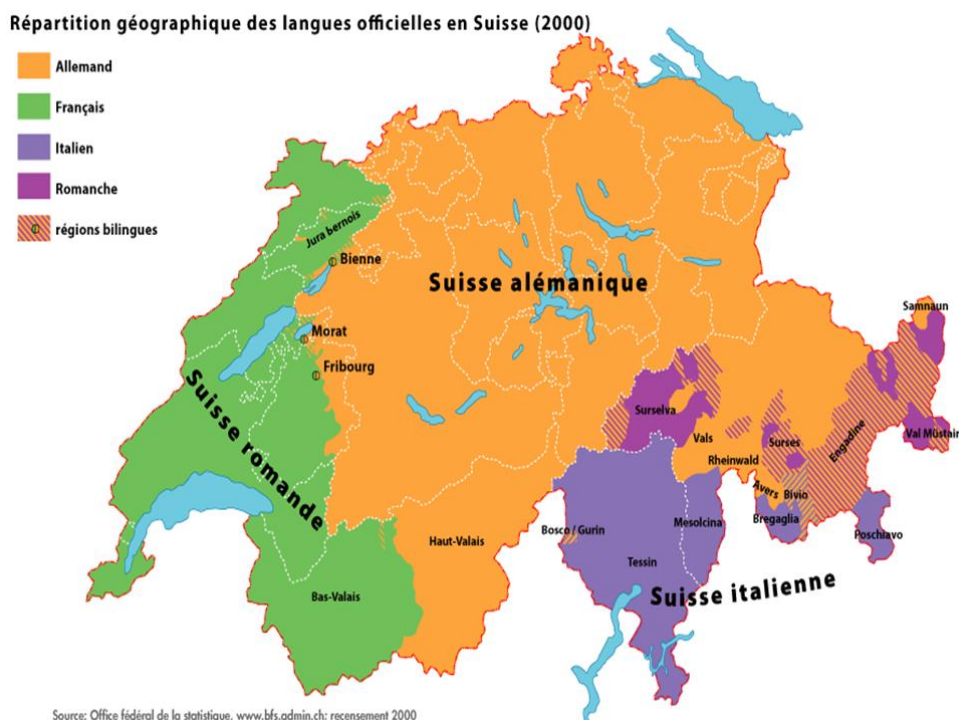


د پاڼو شمېره: له ۱ تر ۹

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

نقشه سویتزرلند



Note: The cover page image and the map of Afghanistan and ethnical map of Switzerland are borrowed from Google.com. Thanks Google.

یادداشت : تصویر جلد کتاب، نقشه افغانستان و نقشه اتنیکی کشور سویتزرلند از گوگل دات کام عاریه شده اند. تشکر گوگل.

فصل هفتم پسگفتار

چگونه کانگرس ویانا منجر به "بی طرفی دائمی" سویتزرلند شد و چرا منیث یک راز بزرگ محرم نگهداشته شده بود؟

از زمان ماقبل التاریخ تا اکنون که اقوام در بین جوامع بشری شکل گرفته اند جنگها، تصادمات قاتلانه و خونین بسا پیامبران، اولیا، حکیمان و اشخاص عادی نرم منش را بدنبال خود کشانده تا راه های صلح پاینده و همیشگی را جستجو کنند ولی پیوسته ناپایدار و گذرا بوده اند. با نگاهی به عقب تا عصر حجر در می یابیم که تاریخ بشری تاریخ مملو از شرم بوده است. مادامیکه به جنگ ها و فتوحات میهن ما سربلندانه افتخار و مباهات می کنیم باید به همان اندازه در باره کودکان، زنان و بی گناهایی هم نوحه کنیم که در نتیجه این جنگهای ویرانگر مٹله شده اند. اگر بشریت به اندازه جشن گیری های افتخارات خود مساویاً نوحه می کرد به یقین که همه از جنگ تنفر و انزجار می داشت؛ آنگاه همه ما در باره صلح و نبود خشونت، مطلقاً تصور دیگری میداشتیم و مروارید همه آن فضایل و مزیت ها را می ستودیم که یک ملت در آن می تواند بی طرفی دائمی را به دست آورد و آنرا درست مانند سویتزرلند برای قرنها حفظ کند. معهذاً، بی طرفی دائمی سویتزرلند بوسیله کسانی به دست نیامده که مخالف جنگ و جدل بودند و یا گویا بوسیله اشخاص روحانی قدیس به دست آمده باشد. داستان عقب پرده همانا دست آوردیهاست که طی کنفرانس ویانا و بعد از آن طی سالهای ۱۸۱۴ تا ۱۸۱۵م به دست آمده اند که در صفحات بعدی از روی آن پرده برداری خواهد شد.

کلمنز فون میترنیخ Klemens Von Metternich یکی از نجبای آستریایی کسی است که بسیاری از تاریخ نویسان نامبرده را یکی از دیپلمات های بی نهایت مهم عصر خود محسوب کرده اند. بعد از اینکه ناپلیون با جنگهای

کشور گشایانه خود اروپا را بخاک یکسان ساخت، میترنیخ که در آن زمان وزیر امور خارجه امپراتوری آستریا بود همه امپراتوران، شاهان و وزرای خارجه دول اروپایی را در ویانا در بین سالهای ۱۸۱۴ و ۱۸۱۵م فراخواند تا توازن قوا را مجدداً برقرار و صلح دائمی را در اروپا آغاز نماید.

میترنیخ اولین کنفرانس صلح اروپا را با مهارتی که در مصالحه، دیپلماسی و نقشه کشی سری داشت چنان مدیریت کرد که حتی بعد از دو قرن در باره موفقیت وی کتاب ها نوشته میشود، بشمول یکی از دیپلماتهای برجسته و سرشناس امریکایی هینری کیسینجر Henry Kissinger. اکثریت ناظرین، میترنیخ را ستوده اند، ولی یکعده نامبرده را خونسرد، آدم حسابی آرام – درست شخصی مانند ماکیاوولی – لکه دار ساخته اند.

بعد از آنکه میترنیخ با فرانسه دیتانت را مهندسی کرد امپراتور آستریا فرانسویس اول، به میترنیخ لقب شهزاده را اعطا کرد که در آن ازدواج، دوشس duchess، ماری لوئیس دختر فرانسویس اول شامل بود، ماری لوئیس با امپراتور جدید، ناپلیون بخاطری تن به ازدواج داده بود تا سپر بلای تاخت و تاز های بیشتر وی در برابر آستریا گردد. علی الرغم اینکه ناپلیون شاهدختی چون ماری لوئیس را منحیث زن خود داشت ولی با وجود خوش قیافگی و نمای زیبایی خود باز هم بنام آدم زنباره، فاسق و بدنام شهره آفاق بود، و این بدنامی وی تا زمانیکه چانسلر آستریا هم شد دوام داشت.

در بین همه دست آورد های وی مهمترین دست آورد میترنیخ آوردن موضوع "بی طرفی دائمی" در سیاست بین المللی بود که در طی دو قرن از کوره آزمون مؤفقاانه بدر آمده است. شگفت انگیز آنست که به این نظریه تابناک وی در بین سائر نظریات سیاسی وی ارج نهاده نه شده است!

زمانیکه میترنیخ این نظر خود را به امپراتور آستریا فرانسویس اول اظهار کرد، امپراتور قهر شده گفت، «آیا تو دیوانه استی، آیا میخواهی امپراتوری ما را پارچه پارچه کنی؟ میترنیخ، خودت بهتر میدانی که اگر این نظرت جامه عمل بپوشد تمام کشور های شامل در امپراتوری ما یکایک بیرق های استقلال خود را بلند خواهد نمود. میدانم که سوئیتزرلند یک کشور کوهستانی است و با داشتن موقعیت ستراتیژیک، راه ها و معابر آن به هر طرف این قاره دارد و هر یکی از همسایگان این کشور علاقمند و تشنه کنترل آن است، طبعاً که ما هم خواهان آن استیم. ولی خوشبختی ما در آن است که آزمندیهای همسایگان این کشور آنقدر قوی و فراوان است که هر یک شان مخالف آن دیگرست تا بر آن کنترل و تسلط داشته باشد. شاید بخاطر داشته باشید که «شهزاده دی تلیراند Prince de Talleyrand» زمانی گفته بود، «هر آنکه کنترل کوه های آلپ را داشت، اروپا را کنترل می کند!» میترنیخ سرش را پائین گرفته بود و آرامانه نفسش را از دماغش بیرون می آورد. امپراتور با خونسردی حواس خود را جمع نموده و گفت، «من با شما موافقم که بعد از اشغال سوئیتزرلند توسط نیرو های انقلابی فرانسه، ما باید متعاقب شکست ناپلیون وارد میدان عمل می شدیم زیرا تزار الکسندر در آستانه سرازیر شدن بالای کشور بود. بنابراین نظریه بی طرف ساختن سوئیتزرلند یکی از بهترین نظریاتی است که می تواند تمام قدرتهای عمده اروپا را از سرزمین ما بیرون نگه دارد و ما شاید دیگر تشویشی نداشته باشیم. هرگاه بی طرفی دائمی از طرف سائر نماینده ها مورد قبول قرار گیرد این بهترین راه حل مشکل ما با مردم سوئیس خواهد بود، ولی تأکید می کنم که این یک نظر خیلی خطرناک چه که حتی تا حد فروپاشگرانه خطیر است. بدین ملحوظ، شما باید برابما بهترین معامله را بدست آرید و سائر رقبا را تشویق کنید تا امضاء کنندگان آن شوند.» شهزاده میترنیخ با شادمانی راست به پا ایستاده گلوش را صاف نموده و با اعتماد راسخ گفت، «جناب اعلیحضرت، نسبت به اعتمادی که بمن دارید سپاسگذارم، میتوانم به جناب امپراتور اطمینان دهم که ما طی چند روز آینده با نمایندگان سوئیس که من آنها را به آخرین جلسه عمومی دعوت نموده ام مؤفق خواهیم شد تا همه شان سند بی طرفی دائمی را با ما امضاء کنند. جناب اعلیحضرت، شما در باره خطیر بودن این موضوع دقیقاً اشاره فرمودید و به شما اطمینان می دهم، که ما از آن استفاده اعظمی خواهیم نمود و آنرا چنان محرم و محفوظ نگه خواهیم داشت که «بی طرفی دائمی» در بیرون از محوطه کانگرس روی روشنایی روز را نه ببند.»

آخرین روز کانگرس بود که امپراتوران، پادشاهان، شهزادگان و تمام نمایندگان تمام اقلام آجندا را در حالی منظور کردند که نفیر بی پایان شیپور ها در فضا می پیچید؛ تمامی موضوعات مندرج در آجندا که طی ماه ها مباحثه قبلاً بوسیله وزراء در فضای دوستانه سرو سامان داده و تثبیت گردیده بودند بوسیله شهزاده میترنیخ به جلسه نهایی کانگرس تقدیم شد. شگفت آور اینکه، با تقدیم کردن آخرین قلم اجنداء که بی طرفی دائمی سوئیتزرلند بود بحث اضافی، به احتمال قوی عمداً، صورت نه گرفت. هیچ یکی از نمایندگان اقوام سوئیس به اندازه ذره صدای خود را

بلند نه کرد؛ تمام نمایندگان با عجله سند بی طرفی را امضاء کردند تا به سرعت ممکنه از جلسه کانگرس ویانا بیرون روند. اینجا بود که شهزاده میترنیک با نبوغ خود عمل فوق العاده استثنایی را انجام داد. [1]، [2]، [3]، [4]

از اینکه امپراتور فرانسیس اول Emperor Francis 1st میدانست که جانشین و وارثی ندارد بنابراین این برادر زاده خود فرنز جوزف Franz Joseph را تحت پرورش خود قرار داد و میخواست او را منحصی امپراتور بالا بکشد. مادامیکه فرانسیس در سال ۱۸۳۵م در اثر تب به عمر ۶۷ سالگی وفات نا بهنگام نمود، شهزاده میترنیک با عجله در رأس یک شوری دولتی فردیناند اول Ferdinand 1st را منحصی امپراتور اعلان کرد تا خلای را در بین سلسله جانشینی خانواده امپراتوری هابسبرگ Habsburg Imperial Family داشته باشد. شوری دولتی بر این واقف بود که فردیناند اول، فرزند فرانسیس اول از لحاظ عقلانی توان حکمروایی را ندارد، بنابراین این شوری تا سال ۱۸۴۸ م وظیفه امپراتوری را خود به پیش برد تا اینکه شورش بوداپست، بنیاد و اساس امپراتوری را سخت لرزاند. فرنز جوزف اول برادر زاده فرانسیس اول که در این زمان هجده ساله بود زمام امور امپراتوری آستریا را همانگونه به عهده گرفت که کاکایش و عده سپرده بود؛ وی چانسلر میترنیک را برطرف ساخت و حکمروایی مطلق العنان خود را با خود کامگی بیشتر از پیش آغاز کرد. فرنز جوزف در سال چهل و پنجم حکمروایی خود با کم ارجی زاید الوصف میترنیک را به این اوصاف در غیاب توهین کرد، «مرد دیوانه با یکعده نظریات لیبرال مانند بی طرفی دائمی ملت ها.» روایت شده که امپراتور فرنز جوزف در یک تفریحگاه تابستانی خیلی دور افتاده به صدر اعظم خود گفت، زمانیکه میترنیک نظریه بی طرف ساختن دائمی سویتزرلند را پیشنهاد کرد، امپراتور فرانسیس اول از جا جهیده و گفت، «آیا تو دیوانه استی! آیا میخواهی که ملت های تابع به امپراتوری ما، بیرق های "بی طرفی دائمی" را بلند نمایند، و هر کدام شان یک دولت مستقل شود؟ آیا تو میخواهی تمام قوتهای اروپایی از هم پاشیده شوند و به زنجیر سرحدات کم اهمیت و جزایر بی نهایت کوچک شان بسته شوند؟ میدانم که برای بی طرف سازی سویتزرلند دلیل خوبی در دست داریم، زیرا اول تحت حمله نیرو های ناپلیون قرار گرفت و متعاقب آن بوسیله روسها و بعد بوسیله ما اشغال شد. ولی بخاطر داشته باشید که هیچ کدام از همسایگان نمی توانند قبول کنند چنین کشور کوهستانی کسی را با چنان موقعیت حساس ستراتیژیک آن در دست داشته باشند که به تمام قاره اروپا راه و معابر داشته باشد، هیچ همسایه و یا قدرت خارجی نمی خواهد آنرا اشغال شده ببیند! هیچ نیروی اروپایی به این خوش خواهد شد تا این قلعه مستحکم بوسیله کسی دیگری قاپیده و به زور گرفته شود! ولی با شما موافقم که سویتزرلند را باید برای ابد بی طرف بسازیم. مگر متوجه باشید که نمایندگان از اهمیت آن به اندازه یک ذره بوی نبرند و آنرا در لفاقه مطمئن نبودن و شک پنداری نگهدارید! شما آن را چنان ترتیب اثر دهید که این موضوع بی نهایت خطیر " بی طرفی دائمی" در بیرون از کانگرس هم روشنایی روز را دیده نه تواند.»

بعد از سیزده سال حاکمیت شوری آستریا، انقلاب بوداپست در سال ۱۸۴۸م و آتش جنگ در اکثریت پایتخت های اروپایی مانند ویانا، پاریس و پراگ زبانه کشید. شهزاده میترنیک مانند سائر همکاران و همقطارانش مخفی شدند. سرانجام مترنیک با خانواده خود توانست به لندن در برنانه برود و در اقامتگاه خود، اول در خیابان «ایتن Eaton Square» و بعد در «برایتن Brighton» زندگی کند و به دور از آشوب در اروپا از وقت و زندگی خود با تلذذ حیات به سر برد. «دوک ویلینگتن The Duke of Wellington» سعی کرد تا میترنیک را خوش نگهدارد و الطاف بی پایان در حقش اداء کرد. «پالمرستون Palmerstone»، گیزو Guizot «سخنور فرانسوی و سیاستمدار شهیر که حال در تبعید بسر می برد» و بینامین دیزرائیلی Benjamin Disraeli از میترنیک در اقامتگاهش بازدید بعمل آوردند و از مصاحبت سیاسی او بهره مند شدند.

در یک مورد گفته شده است که، صدر اعظم لارد پالمرستون که گذار از سیاست محافظه کاری را به لیبرالیزم سرپرستی میکرد، در نظر گرفتن - توازن قوا - برگرفته از نظریه میترنیک - و همچنان آغاز پالیسی انزوا و بیرون شدن از اروپا به او کمک کرد، بنابراین این پالمرستون به دیدن شهزاده میترنیک به اقامتگاه شان میروید. لارد پالمرستون از میترنیک پرسید که چگونه به راز بی طرفی دائمی سویتزرلند منحصی یک راه حل پی بردند تا بتواند توازن قواء را به اروپا برگرداند؟ میترنیک در پاسخ گفته بود، «جلالتام صدر اعظم! با اینکه جناب عالی شما و من و اکثریت ما و شما محافظه کاران استیم باید نظریات لیبرال هم می داشتیم و یا شاید حال هم داشته باشیم، نظریاتی که من آنرا برای حل مشکلات سیاسی عمیقاً - فکر - شده می پندارم. در زمان بی ثبات، متزلزل و خطیر امروزی جستجوی راه های صلح آمیز و تناسب و توازن کدام آسیبی ندارد. کشوری مانند سویتزرلند که در آن مردمانی زیست دارند که رسومات و عنعنات جنگی

¹ - Nicholson, Harold. The Congress of Vienna/a study in Allied Unity 1812-1822; Viking Press Inc., New York, NY: 1st Pub. 1946, Thirteenth Printing, January 1969.

² - Zamoyski, Adam. Rites of Peace: The Fall of Napoleon and The Congress of Vienna; Harper Collins Publishers; New York, NY, Great Britain: 2007

³ - Metternich, Clemens.W.L. Memoirs of Prince Metternich, son Prince Metternich, Richard; 1878-80 original: Forgotten Books, 2012.

⁴ - Auernheimer, Raoul. Prince Metternich; Statesman and Lover; Kessinger Legacy; Alliance Book Corporation: New York, NY, 1940

دارند، و سرحدات مورد منازعه دارد و بوسیله کوه‌های آلپ مثل دژ تسخیر ناپذیر احاطه شده است، در اثر شرایط غیر قابل تغییر "بی طرفی" را تجربه کرده اند، موقعیت آن که در قلب اروپاست، خود به معمای اروپا مبدل شده است. به هر صورت، یگانه راه حلی را که من منحیث راه حل و نتیجه منطقی تصور میکردم همانا نظریه بی طرف سازی مطلق آن بود، با ذکر اینکه این راه حل مصوون تری برای همه ما بود! یگانه راه حلی را که من می توانستم تصور کنم گذار از بی طرفی بسوی "بی طرفی دائمی" بود. جناب صدراعظم، حضرت عالی شما بهتر می دانید که تنها تلاقی منافع با پشتوانه نیروی نظامی و تعهد عقد نامه بین المللی می تواند راه حل سیاسی پیگیر را به همه مشکلات ما بشمول "صلح جهانی" به میان آورد، ولی این همان راهیست که غیر قابل دسترس پنداشته شده است. "صلح جهانی پدیده ای است که" بنام "نظریه افلاطونی" هم مسمی شده است ولی افلاطون خودش این نظریه را در کتاب جمهوریت خویش تکذیب کرده است چنانچه وی در کتاب جمهوریت خویش نگاشته است که انسان از جمهوریت و دیموکراسی بطرف استبداد و دیکتاتوری عقب گرد کرده است. شکی نیست که سویتزرلند از سال ۱۸۱۵م بما عملی شدن نظریه "بی طرفی دائمی" را نشان داده است؛ من حالا همین سوال را مطرح می کنم که چرا عین راه برای "صلح جهانی" عملی نباشد؟ لارد پالمستون نفس عمیقی کشیده گفت، "شهادت میترنیک! حال باید برحق گفت که شما چرا آنرا پیاده نمی کنید؟" وی در ضمن خنده بلندش افزود. "مشکل کار شما «محافظه کاران آرمانگرا» اینجاست که کیک خود را نمی توانید داشته باشید ولی در عین زمان آنرا خورده هم میتوانید!" صدر اعظم که در کوچ ژرف نشسته بود نکتایی خود را راست نموده به پا ایستاد و با صدای بم و لهجه سنگین آکسفوردی خود گفت، "دوست عزیزم، این مسئله تا این اندازه ساده هم نیست!" بعد با تبسم شکاک افزود، "جنگ، کشمکش و تقلا، تصادمات سیاسی و غیر سیاسی همه و همه یک بخش احتراز ناپذیر طبیعت انسان است. خون انسان زمانی برای بار اول ریخته شد که هابیل برادر کلان برخاست و برادر کوچکش را در اثر حسادت به قتل رساند. بد اقبالی ما در آن است که حسادت یگانه زیرساخت احساس انسانی و یا یگانه صفت بد آن نیست؛ هفت گناه اساسی دیگر وجود دارد که بر مبنای آن انسان، انسان را و یا برادر برادر را می کشد. به اعتقاد من، همانروزیکه شما توانستید "طبیعت انسان" را تغییر دهید، من به همان روز امکان عملی شدن نظریه شما را پیرامون "صلح جهانی" می پذیرم." میترنیک با چشمان فراخ دوباره انرژی گرفته و با ملاحظت هنر سنجانه گفت، «سرورم، چی کسی گفته است که چنین چیزی تغییر ناپذیری بنام "طبیعت انسانی" وجود دارد؟ می توانید برایم تعریف کنید که این به اصطلاح طبیعت انسانی چیست، و از کجا آمده است؟ زمانیکه همه ما پیرامون اراده آزاد ما یعنی "شالوده اصول اخلاقی انسان" با هم موافقم، پس چرا با اراده آزاد و ثابت خود قادر به تغییر، به اصطلاح "طبیعت" تغییر ناپذیر "انسان" که احساسات اساسی ماست نه باشیم. حضرت عالی شما فکر نمی کنید که تکامل و تحول این به اصطلاح طبیعت خام بشری از مجامع فراوان بشری از عصر حجر تا کنون عبور کرده و تا اینجای طبیعت متمدن بشری به مثابه عضوی از سنا و یا کانگرس صلح ویانا رسیده باشد!» لارد برتانوی و شهادت جرمی هر دو به پا ایستادند، به آواز بلند خندیدند، سر های شانرا به رسم احترام به همدیگر در سکوت پائین کردند و خموشانه از همدیگر "خدا حافظی گفته" مرخصی گرفتند.

ضمایم

میترنیک هرگز آجدای رسمی را به کانگرس ارائه نه کرده است: ولی اجزای احتمالی آن آجدای را میتوان به ترتیب ذیل پهلوی هم بگذاریم:

به انجام رسیده

اجزای احتمال آجدای میترنیک به کانگرس

۱	اعاده تمام ساحات و سرزمین هائیکه توسط ناپیلیون تسخیر شده بود به مالکان قبلی آن	بلی
۲	سرحدات فرانسه به عصر قبل از ناپیلیون برگردند	بلی
۳	ایجاد فدراسیون جرمنی به منظور ایجاد توازن جدید قواء	بلی
۴	ساحات مشخص به برتانیای کبیر، روسیه، پروس و غیره بعنوان توازن داده میشود	بلی
۵	مردود شمردن تجارت بردگی بخاطریکه خلاف تمدن و حقوق بشر است	نخیر
۶	برسمیت شناختن حقوق یهودان در اروپا	نخیر
۷	تایید شدن قطعنامه: همیشه متبادلی در برابر عدم توافق موجود بوده است	+/-
۸	امضاء کنندگانیکه بی طرفی دائمی سویتزرلند را ضمانت میکنند	بلی

میترنیک خیلی شیفته و دلباخته فرزندان فراوان خود بود، و آنان هم عین مهر و محبت را نسبت به او داشتند. میترنیک با تراژیدی نا آشنا نبود، وی دو دختر خود را در سال ۱۸۲۰م در ظرف سه ماه در اثر توبرکلوز از دست داد. خانم و فرزند کلانش نیز در اثر مریضی توبرکلوز حیات شان را از دست دادند.

کلمنز فون میترنیخ پیرامون نظم جهانی یک دیدگاه اریستوکراتیک داشت. وی از انقلاب، لیبرالیزم و نشنلیزم هراس داشت و به توازن قواء بین دولتها و طبقات در جامعه باورمند بود. وفاداری وی به خانواده شهنشاهی هپسبرگ بود؛ وی به استثنای مردم جرمن به فکر هیچ کسی دیگر نبود.

در بین مشروح وصفی اینکه از زندگی میترنیخ که بوسیله همعصرانش شده یکی از مشخصات وی را «پامپوس پدانت (pompos pedant)» (شیفته شایستگی های خود) گفته اند، سائر اوصاف: «مقلب زرنگ و برجسته با نیرنگ بازیهای دیپلماتیک» و «دیوانه با عشق، افتخار و خود خواهی.»^[۵]

میترنیخ با شایستگی سیاسی خود قومیت گرایی های عشایری سوئیس را برانگیخت تا در سال ۱۸۱۵ بی طرفی را بپذیرد. بعد از این مدت باز هم مردم سوئیس طی ۳۰ سال مکمل بین هم دیگر (کاتولیک ها در برابر پروتستانها - کالونیتها) تا وقتی جنگیدند که فهمیدند با همه این ها هر چه باشد بالاخره زیستن در صلح در سوئیتزرلند قدیم برایشان از لحاظ اقتصادی و از لحاظ اجتماعی برای هر فامیل با صلح تضمین شده و امنیت و آزادی مذهبی و قومی بی نهایت سودمند تر است، همین طرز تفکر نوین فراکسیون های درگیر را مجبور ساخت که جنگ ۱۷۳ ساله را تا امروز پایان ببخشند. امروز همه تاریخنگاران به شمول هنری کیسینجر در باره موفقیت های چشمگیر میترنیخ می نویسند، ولی هیچ کدام شان از یگانه موفقیت ماندگار وی "بی طرفی دائمی سوئیتزرلند" یاد آوری نمی کنند^[۶].

به نظر من مهارتهای میترنیخ در دیپلوماسی، شکیبایی، کیاست و موقع شناسی، حيله، غافگیری و گنج کردن های سیاسی او نسبت بر نهان سازیهای غیر فعال و غیر قابل مقایسه او پیشی می گیرد، آیا میشود این را یکی از بزرگترین نهان کاریهای تاریخ برشمرد؟ مزید بر آن حتی آرشیف های خانوادگی میترنیخ ممکن در باره این تیوری نیرومند رهنمون این امید «یعنی صلح جهانی» در دراز مدت شود، که شاید ملت های کوچکتر خواهان حق سلب ناشدنی شان "بی طرفی دائمی" شوند. صلح جهانی که در عصر حاضر مطلقاً ناممکن پنداشته میشود ایجاب تفکر مجدد و توجه جدی میکند!

منابع خارجی ذیل را برای مطالعات نسلهای جوان توصیه می کنم

1. Holt, Frank L. *Into the Land of Bones, Alexander the Great in Afghanistan*; University of California Press, Berkley, Los Angeles, USA and London, England: 2005, 2006, 2012.
2. Barfield, Thomas. *Afghanistan, A Cultural and Political History*; Princeton Press, Princeton, NJ, and Oxford, UK: First Edition 2010, 9th Edition, 2012.
3. Richardson, Bruce G. *Afghanistan, A Search for Truth*; APBN – 101, Toronto, Canada: 2008.
4. Fukuyama, Francis. *Nation-Building, Afghanistan and Iraq*; The Johns Hopkins University Press, Baltimore, USA: 2006.
5. Tenner, Stephen. *Afghanistan; A Military History from Alexander The Great to the War Against Taliban*; Da Capo Press/Perseus Book Group: 2002, Revised Edition, 2009
6. Meyer, Karl E. *The Dust of Empire, The Race for Mastery in The Asian Heartland*; A Century Foundation Book, Public affairs, New York: 2003.
7. Dobbins, James, James, Seth G., Crain, Keith, DeGrasse, Beth C. *The Beginners Guide to Nation-Building*; Prepared for Smith Richardson Foundation, RAND Corporation: 2007.
8. Metternich, Clemens Wenzel I. *Memoirs of Prince Metternich*; Classic Reprint Series, Forgotten Books: Original in 1880 and reprint in 2012.
9. Auernheimer, Raoul. *Prince Metternich: Statesman and Lover*; Alliance Book Corp. New York, USA: 1940.
10. Nicolson, Harold. *The Congress of Vienna/ a Study in Allied Unity. 1812-1822*; The Murray Printing Co./The Viking Press Inc. 13th Printing: 1969.
11. Zamotski, Adam. *Rites of Peace, The Fall of Napoleon and The Congress of Vienna*; Harpers Press/Harper Collins Publishers, New York, USA, Great Britain: 2007.
12. Spiegel, Murray R., Schiller, John, Srinivasan, R Alu; *Probability and Statistics*. Schaum's

⁵ - Metternich, von Clemens. *The Autobiography, 1773-1835*: Wewyn Garden City, 2004.

⁶ - Kissenger, Henry. *A world Restored: Metternich, Castlereagh and the Problem of Peace, 1812-1822*; Weidenfeld & Nicholson 50 years; ISBN 13: 9780297643951.1999. (His former Doctorate Thesis).

- Outline Series, McGraw Hill Companies. Inc. Printed in USA: bulksales@mcgraw-hill.com: 2013.
13. Zschokke, Heinrich. *The History of Switzerland for The Swiss People*; Wallachia Publishers, New York City, NY: First Published in 1855 and Second Edi. 2015.
14. **Tyler, Brülé. How to make A Nation: A Monocle Guide. Sweden** by Anderson, E.N.; **Brazil** by Moreno, R; Australia by Mueller, A.; USA by Issenberg,S; China by Bergman, J.; Canada by Lewis,T.; **Denmark** by Booth,M.; **Colombia** by Moloney,A.; **France** byWatson, T.B.; **Hungary** by LeBor, A.; **Kenya** by McConnell,T.; **Germany** by Rogers,T.; **Italy** by Carvalho,I.; **India** by Betigeri,A.; **Japan** by Wilson, F.; **Norway** by Bevanger, L.; **Poland** by Chapman,A.; **Russia** by Yaffa, J.; **Serbia** by De Launey, G.; **Thailand** by Robinson,G.; **Spain** by Aldous, L.; **Tunisia** by Kattoor, N.; **Turkey** by
15. Lord, C.; Edited by Steve Bloomfield; Printed Offsetdruckerei Grammlich Plizhausen: Berlin, Germany: 2016

ملحقات

تجزیه و تحلیل احصائیوی بی طرفی دائمی افغانستان
محاسبه ضریب تناظر (r) بی طرفی دائمی افغانستان به اساس :

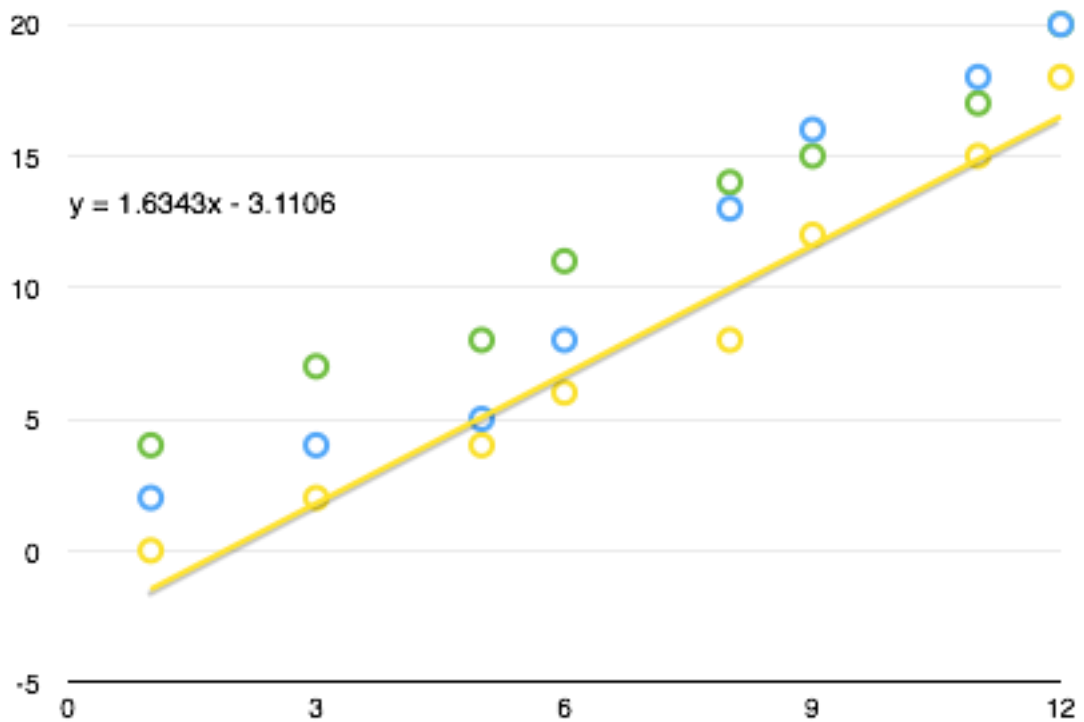
- ۱- معیار مؤفقییت برای بی طرفی دائمی سویتزرلند
- ۲- قبولی چنین نوعی از بی طرفی بوسیله قدرتهای عمده و همچنان همسایگان افغانستان
- ۳- قبولی چنین نوعی از بی طرفی بوسیله مردم افغانستان

$$r = \frac{N\sum xy - (\sum x)(\sum y)}{\sqrt{[N\sum x^2 - (\sum x)^2][N\sum y^2 - (\sum y)^2]}}$$

Where:

- N = number of pairs of scores
- $\sum xy$ = sum of the products of paired scores
- $\sum x$ = sum of x scores
- $\sum y$ = sum of y scores
- $\sum x^2$ = sum of squared x scores
- $\sum y^2$ = sum of squared y scores

n = 3	x	y						
	6	7						
	8	10						
	1	4						
Sum	15	21						
Average	5	7						
Sx	7.07	6.08						
			$n \sum xy$	$(\sum x)(\sum y)$				
			$r =$					
			$[V n \sum x^2 - (\sum x)^2]$	$V n \sum Y^2 - (\sum Y)^2$				
Calculation	Numerator	945 — 315	630					
Calculation	Denominator[[V450]	$[V 675 - 225 = 450]$	$[Vn 441 - 1323 = 882]$				
			$[V450]$	$[V 882]$				
			21.21 X	29.7 =	628.94			
		$r =$	$629.94/630 =$	0.99				
		X	Y					
		6/7 = 85%	7/7 = 100%					
		8/10 = 80%	10/10 = 100%					
		3/4 = 75%	4/4 = 100%					
		Average=80%						



د پانډو شميره: له ۸ تر ۹

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې دلېکنیزې بنې پاروالي دلېکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ

در بالا افغانستان $X =$ و سویتزرلند $Y =$ اند. ضریب تناظر پیرسن Pearson Correlation Coefficient می تواند بین $+1.00$ و -1.00 هر قیمتی را بگیرد. هرگاه $=$ صفر (0) گردد به معنی عدم تناظر و همبستگی است؛ (-) عددی است که دلالت بر منفی بودن یا برعکس تناظر و همبستگی می کند. تناظر فوق $r = + 0.98$ است.^[7] در محاسبات ضریب تناظر یا همبستگی پیرسن که در فوق ذکر شده حرف (r) دلالت بر امکان پذیری خیلی بلند افغانستان می کند تا سویتزرلند آسیا گردد که به اساس مقایسه معیار طلایی برای بی طرف دائمی شدن سویتزرلند بصورت مؤففانه، تهیه شده است، کشوری که در طی دو صد سال اخیر از بوتۀ آزمون زمان مؤففانه برون آمده است! بر بنیاد سه اصل ذیل:

(۱) هفت معیاری که به اساس آن سویس نایل به بی طرفی دائمی شده است
(۲) در مقایسه با تاریخ بی طرفی افغانستان با سویتزرلند و تکامل تدریجی ملی، و پذیرش چنین نوعی از بی طرفی افغانستان بوسیله بالاتر از چهل کشور موجود بشمول قدرتهای عمده جهانی مانند ایالات متحده امریکا، اتحادیه اروپایی و ناتو در افغانستان که در حال حاضر بخاطر جنگ علیه مسلمانان افراطی و تروریست های بین المللی حضور دارند

(۳) و سرانجام پذیرش چنین نوعی از بی طرفی بوسیله مردم افغانستان

با وصف فوق به مثابه دریافت راه حل برای «معمای افغانستان»، شناخت انسان ها، ملت ها و دولت ها، متغیرهای فراوانی وجود دارد. معهدا در حال حاضر اکثریت دانشمندان علوم اجتماعی بخاطر تخمین و برآورد های بهتر تر از محاسبات ریاضیاتی و احصائیوی در عملی بودن بررسی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی استفاده می کنند.^[8]

پایان

⁷ - White, Robert S. Statistics. Harcourt Brace Jovanovitch College Publishers; Fourth Edition: Philadelphia, New York, Toronto, Montreal, London, Sydney, Yokyo, Holt Rinehart & Winston, Inc. pp.551, 1980.

⁸ - Spiegel, Murray R., Schiller, John, Srinivasan, R Alu; *Probability and Statistics*. Schaum's Outline Series, McGraw Hill Companies. Inc. Printed in USA: bulksales@mcgraw-hill.com; 2013.